

رابطه بین امنیت و بندگی



حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی

عضویت علمی جامعه معارف اسلامی

میان امنیت و پرستش و آرامش و بندگی، رابطه است. بشر در این دنیا زندگی می کند و در زندگی باید آرام باشد و مضطرب نباشد. اگر اضطراب و نگرانی و تشویش بر خانه‌ای حاکم شود، در آن خانه همیشه اعصاب‌خردی و درگیری است. حتی در محیط کار، فرد با خودش درگیر است. آرامش، بزرگ‌ترین نعمت الهی است و گاهی اوقات خود انسان این آرامش را تبدیل به اضطراب و نگرانی می کند.

ما بحثمان این است چه کنیم که در زندگی ما آرامش پیدا شود و اضطراب، افسردگی، اندوه، حزن و نگرانی از بین برود. ما در این عالم بین زندگی کردن و زندگی نکردن، مخیر نیستیم. نمی‌توانیم بگوییم زندگی می‌کنیم یا نمی‌کنیم؟ زندگی نمی‌کنیم، یعنی مرگ، یعنی خودکشی، ما باید زندگی کنیم. اما بین آرام‌زیستن و ناآرام‌زیستن، مخیریم. انسان تا بوده، زندگی بوده است. حالا چه دارا و چه فقیر چه سالم و چه مریض و چه کسی که چند تا سگته کرده و روی تخت افتاده است، ناگزیر باید زندگی کند. در این عالم، زندگی کردن الزامی است. باید زندگی کرد. در اصل زندگی کردن، اصلا جای اختیار نیست. اصل زندگی کردن مهم است، خواه رضایتمندانه خواه نارضایتمندانه، آرام یا ناآرام، خوش خلق یا بدخلق، حسودانه یا زندگی بدون حسادت که غل وغش ندارد. هم یوسف^(ع) زندگی کرد و هم برادرانش، هم هابیل^(ع) و هم قابیل.

من وارد بحث می‌شوم تا راهکارهایی را از قرآن مجید بیان کنم. دبروز یک نکته درباره به‌دست آوردن آرامش بیان کردم. امروز هم نکته دیگری را بیان می‌کنم که اگر خوب دقت کنید و این موضوع خوب اجرا بشود، آرامش می‌آورد و اگر غلط اجرا شود، ناآرامی می‌آورد.

روان‌شناسان درباره این موضوع که می‌خواهم بیان کنم، خیلی حرف زده‌اند. آن چیست؟ مسئله مقایسه کردن است. یکی از ویژگی‌های ما مقایسه کردن است. چرا؟ چون ما یک موجود اجتماعی هستیم. هم‌سطح هم نیستیم. شما چهل، پنجاه تا ماهی را در آکواریوم بریز، غذایشان یکی است، محیطشان هم یکی است. همه مثل هم هستند و زندگی هم می‌کنند. قفسی پنجاه تا کبوتر دارد، ارزن هم جلوبشان ریخته شده است. غذا و جایگاهشان هم یکی است. همه کبوترند. در اینجا مقایسه معنا ندارد، اما ما این‌طور نیستیم. ما برتری داریم، مؤمن داریم، پولدار داریم، فقیر داریم: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَشْعُرُ»، (سوره سجده، آیه ۱۸). «هَلْ يَشْعُرُ الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ». (سوره زمر، آیه ۶). آیا فردی که مؤمن است با شخصی که فاسق است، مساوی است؟ آیا فردی که می‌داند با فردی که نمی‌داند، مساوی است؟ ما چون یک موجود اجتماعی هستیم، با هم زندگی می‌کنیم. خواه‌ناخواه در زندگی ما مقایسه پیش می‌آید. زن فلائی چنان است. دختر فلائی چنان است. پسر فلائی در کنکور قبول شد. فلائی در فلان کار، بار خودش را بست. در درس موفق شد. مدام مقایسه می‌کنیم. مقایسه کردن یک شمشیر دولبه است، هم می‌تواند آرامش بیاورد و هم می‌تواند اضطراب بیاورد. من امروز به شما می‌گویم که چطور فرهنگ مقایسه، آرامش می‌آورد و چگونه اضطراب می‌آورد. از آیات و روایات استفاده می‌کنم. ببینید اصل مقایسه، طبیعی است. دو جوان وارد دانشگاه می‌شوند. دو جوان ازدواج می‌کنند. دو همکار در یک اداره، دو همسایه کنارهم. فلائی چهل سفر به مکه رفته است، ولی ما هنوز رنگ مکه را ندیده‌ایم. بچه فلائی در این اداره است و همه چیز دارد. بچه من پنج سال است که بیکار است. مدام در کار، شغل، مسائل مادی و معنوی مقایسه می‌کنیم. سه نوع مقایسه داریم: ۱- مقایسه صعودی، ۲- مقایسه نزولی، ۳- مقایسه هم سطح.

اگر شما در امور دنیا خودت را با بالاتر مقایسه کردی، این مقایسه صعودی است. اگر با پایین‌ترت مقایسه کردی، مثلا شخصی که یک میلیون تومان درآمد دارد خودش را با شخصی که پانصد هزار تومان درآمد دارد مقایسه‌کند، می‌شود نزولی. اما اگر با آن فردی که ۲ میلیون تومان درآمد دارد مقایسه‌کند، می‌شود صعودی. مقایسه هم‌سطح نیز مثلا درآمد یک میلیون را با یک میلیون یا با همکار خودش مقایسه کند.

مقایسه‌گاهی صعودی، گاهی نزولی و گاهی هم‌سطح است. در امور مادی، مقایسه صعودی اضطراب می‌آورد اما مقایسه نزولی آرامش می‌آورد. سلمان می‌گوید: «أَوْضَانِي خَلِيلِي بِسَبْعَةِ خَصَالٍ... خَلِيلُ مَنْ، حَبِيبُ مَنْ، رَسُولُ خَدَا^(ص)» به من هفت سفارش کرد، یکی از آن‌ها این بود: اَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي، ای سلمان! در دنیا مقایسه‌ات نزولی باشد نه صعودی، با آن که حقوقش کمتر است. با آن که خانه‌اش محقرتر است. با آن که مدل ماشینش ساده‌تر است، اما در امور معنوی، مقایسه باید صعودی باشد.

منبع: فرازی از سخنان حجت الاسلام والمسلمین رفیعی با موضوع «راه دست یافتن به آرامش»

احکام شرعی لقاح خارج از رحم و اسپرم اهدایی

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به‌شماره پیامک ۰۷۲۸۹۰۳۰۰ با ما در میان بگذارید.

تعدادی از مراجع محترم تقلید از جمله آیت‌...العلمی خامنه‌ای، آیت‌...العلمی یزدی، آیت‌...العلمی مطاهر ی، آیت‌...العلمی موسوی اردبیلی، آیت‌...العلمی موسوی‌بجنوردی، آیت‌...العلمی روحانی، آیت‌...العلمی بهجت و آیت‌...العلمی طباطبایی قمی فتوا داده‌اند که تلقیح اسپرم فرد غریبه به داخل رحم زن به‌منظور بارداری اشکال شرعی ندارد. ولی بعضی از این مراجع، شروطی هم برای آن قائل شده‌اند، مثلا گفته‌اند که از لمس و نظر حرام، اجتناب شود یا اینکه درمورد ارث و محرمیت، احتیاط باید رعایت شود.

درمورد محرمیت، فرزند متولدشده چنانچه دختر باشد، چون ربیبه پدر فاقد اسپرم است، به او محرم است. ربیبه به معنای دختر همسر فرد است از فردی دیگر. به بیان دیگر اگر مردی با زنی ازدواج کند که دارای یک دختر بالغ و رشیده باشد، به‌مناسبت ازدواج با این زن، با دختر این زن هم محرم می‌شود ولی آیا این دختر به عمو ی شرعی خود نیز محرم است؟ فقها دو نوع نظریه در این مورد بیان کرده‌اند، عده‌ای گفته‌اند تا زمانی که این دختر تصور می‌کند او عمو ی واقعی‌اش است و عمو هم فکر می‌کند این دختر برادرش است، به هم محرم هستند(همچنین در مورد پسر بچه و عمه) ولی هر موقع یکی از این دو نفر پی به واقعیت بردند، محرمیت از بین می‌رود. عده‌ای دیگر از علما، راه‌حل شیر دادن به بچه یا صیغه خواندن بین دختر بچه و عمو یا بین پسر بچه و عمه را توصیه کرده‌اند.

تعدادی از مراجع محترم تقلید نیز تلقیح اسپرم اهدایی را جایز ندانسته‌اند. (آیت‌...العلمی خمینی، آیت‌...العلمی سیستانی، آیت‌...العلمی بروجردی، آیت‌...العلمی مکارم شیرازی، آیت‌...العلمی شیرازی، آیت‌...العلمی نوری‌همدانی). البته آیت‌...العلمی مکارم و آیت‌...العلمی سیستانی استفاده از اسپرم اهدایی به روش آی‌وی‌اف را جایز دانسته‌اند. زوج‌هایی که مرجع تقلیدشان مخالف تلقیح اسپرم اهدایی است و تمایل دارند از این نوع درمان بهره‌مند شوند، می‌توانند مطابق بند ۱۹ از احکام تقلید که اول تمام رساله‌ها نوشته شده است، بعضی مسائل را از مرجع تقلید دیگری که از نظر علمی بهتر از مرجع تقلید خودشان باشد، تقلید کنند. پدر شرعی فرزند باید توجه کند که تمام وظایف پدری (مخارج طفل، محبت، نگهداری، تربیت و مواظبت) از نظر شرعی به‌عهده اوست و اهداکننده اسپرم هیچ وظیفه‌ای ندارد و چنانچه پدر در انجام وظایف پدر بودن در حق طفل کوتاهی کند، از نظر شرعی و قانونی مسئول خواهد بود.

شهریار

۳۳ خرداد ۱۴۰۶
شماره ۳۶۶
شماره ۱۴۴۴

SHAHRAHNEWS.IR
۱۴



معماری

ویژگی‌های محل سکونت از منظر آیات و روایات

این خانه روشن است

حمیده ذاکری | خانه چه کوچک باشد چه بزرگ، چه مشترک با سایر اقوام و چه مستقل، برای همه مساوی با محبت و آرامش است؛ به این دلیل که نخستین مکانی است که مادر آن محبت را تجربه و امنیت و آسایش را در یافت می‌کنیم؛ امنیت و آرامشی که زمینه‌ساز بیشتر فعالیت‌های ما در زندگی است و از این‌رو نقش پررنگی در کیفیت زندگی ما دارد؛ به همین دلیل در آیات و روایات اسلامی نیز به کیفیت و چگونگی و حریم و حرمت آن اشاره شده است. یکی از نعمت‌هایی که قرآن بدان اشاره می‌کند، محل سکونت آدمی است. در آیه ۸۰ سوره نحل آمده است: «و... جعل لکم من بیوتکم سکنا، خداوند، خانه‌های شما را مکان آرامش‌تان قرار داد».

از روایات متعدد برمی‌آید که از

نظر اسلام، یکی از حقوق مسلم انسان، حق داشتن مسکن است. رسول اکرم^(ص) فرمودند: «آدمی را جز در این امور حقی نیست: خانه‌ای که در آن سکنی گزیند، جامه‌ای که خود بپوشاند و گرده‌ای نان و جرعه‌ای آب(که نیازش را فرونشاند)». همچنین پیامبر خدا^(ص) داشتن خانه بزرگ را نعمت می‌دانند و می‌فرمایند: «از خوشبختی مرد مسلمان، داشتن مسکن فراخ است». امام باقر^(ع) نیز تنگی منزل را نعمت شمرده و در این باره فرموده‌اند: از نعمت‌های زندگی، تنگی منزل است».

حق داریم که

خانه‌ای داشته باشیم

مسکن در لغت عربی از ماده

«سکونت»، به معنای «آرام گرفتن»، است. منزل باید به گونه‌ای طراحی و ساخته شود که بیشترین آرامش را برای ساکنانش فراهم سازد. این اصل، قبل از هر چیز مورد تأکید و تصریح قرآن مجید است: «خداوند در این دنیا، خانه‌های شما را مایه آرامش شما قرار داد و ... وسایل زندگی که تاچندی مورد استفاده است، فراهم آورد و خداوند برای شما سایبان‌هایی از مخلوقات خود، مهیا ساخت و از غارهای کوه، پناهگاه و اتاق‌ها برایتان قرار داد.»(سوره نحل، آیات ۸۰ و ۸۱).

حق داریم که

خانه‌ای داشته باشیم

خانه‌پناهگاه

و مأمن است

طبق آیات و

روایات فراوان درباره اجازه

گرفتن برای ورود به اتاق دیگران به‌ویژه

اتاق پدر و مادر در اوقات معینی از روز و شب(سوره نور، ۵۸) و نیز نهی از نگاه بدون اجازه به اتاق دیگران، ساختمان باید طوری باشد که اتاق‌ها، مستقل و جدا ازهم باشند و به یکدیگر دید نداشته باشند. همچنین در تفسیر «جامع الجامع، آمده است: «یکی از نشانه‌های ادب میزبان، این است که کار خود را پنهان بدارد و بدون اینکه میهمان بفهمد، به پذیرایی اقدام کند از بیم آنکه مبادا میهمان مانع کار او شود». همچنین در منابع اسلامی بر پنهان کردن بوی غذا از میهمان و همسایگان تأکید شده است، بر این اساس، کارشناسان معتقدند خانه‌ها باید طوری بناشوند که این حریم‌ها در آن رعایت شود.

خانه باید

حریم داشته باشد

یکی دیگر از اصول معماری

از دیدگاه اسلام، توجه به امنیت و ایمنی‌های لازم در ساختمان است. حضرت ابراهیم^(ع) پس از فراغت از بنای کعبه از پروردگار خویش می‌خواهد که شهر مکه را محل امن و امان قرار دهد: «قال ابراهیم: رب اجعل هذا بلدا آمنا»(سوره بقره، آیه ۱۲۶) و در جایی دیگر، قرآن کریم از آن شهر به همین وصف یاد می‌کند: «و هذا البلد الامین.»(سوره تین، آیه ۲). از این اشاره که بگذریم، در روایات چندی بر جنبه‌های ایمنی خانه تأکید شده است. در پاره‌ای روایات آمده است که خانه باید از در و حصار لازم برخوردار باشد. امام صادق^(ع) فرمودند: «خفتن در مکان بی‌در و بدون پوشش، ناپسند است. حضرت علی^(ع) از خوابیدن در مکان بی‌در و پوشش کراهت داشت». یکی دیگر از نکات ایمنی در ساختمان، توجه به استحکام و پیریزی درست بناست. این نکته را از پاره‌ای روایات به‌خوبی می‌توان در یافت. از جمله به‌روایت زیر توجه کنید: «رسول اکرم^(ص) فرمود: خداوند محافظت از سه تن را به‌عهده نگرفته است؛ کسی که در خانه‌ای خراب فرود آید و آن که در میان شاهراه نماز گزارد و فردی که بار خود را بدون مراقبت رها سازد».

خانه باید امن باشد

درست است که

ائمه ما خانه وسیع را نعمت خوانده‌اند اما این امر به معنی تأیید تجمل و ساختمان‌سازی بی‌بیهوده نیست. در روایتی درباره پیامبر^(ص) آمده است: «رسول خدا^(ص) چشمشان به خانه گنبدی بلندی افتاد. درباره صاحب آن پرسیدند. گفتند از فلان مرد انصاری است. آن مرد آمد و به پیامبر سلام کرد، اما رسول خدا^(ص) از او روی گردانند. آن مرد نزد اصحاب پیامبر از این برخورد حضرت گله کرد. اصحاب گفتند: [علتش این است که] رسول خدا(ص) بیرون آمد و چشمش به خانه گنبدی توافتا. پس، آن مرد انصاری خانه را ویران و با خاک یکسان کرد و این خبر به پیامبر^(ص) رسید. [فرمودند] بدانید که هر ساختمانی وبال صاحب آن است، مگر آنچه چاره‌ای از آن نباشد». همچنین امام صادق^(ع) در این زمینه فرموده‌اند: «هرکه بنایی بیش از نیاز سکونتش بسازد، در روز قیامت، مکلف به حمل آن می‌شود».

خانه تجملاتی

باری

برای

صاحبش

یکی از حقوق زن

بر همسر خویش از نظر اسلام،

تأمین مسکن و محل سکونت است. در روایات اسلامی درکنار نفقه(خوراک، پوشاک و...) از تهیه مسکن به‌عنوان یکی از وظایف مرد نام برده شده است، اما اینکه آیا مسکن همسر الزاما باید مستقل باشد، از ادله استفاده می‌شود که در صورت امکان و توانایی شوهر، زن حق دارد از همسر خویش خانه‌ای مستقل بخواهد. براساس روایات، هنگام ازدواج امیرمؤمنان^(ع) با فاطمه‌زهر^(ا)، رسول خدا^(ص) خطاب به آن حضرت فرمودند: «یا علی! همسر خویش را به کدامین خانه خواهی برد؟» علی^(ع) پاسخ دادند: «من جز خانه حارثه‌بن نعمان، جایی را سراغ ندارم». پیامبر فرمودند: «من شرم دارم این خانه را از او بخواهم؛ زیرا خانه‌های زیادی را در اختیار ما و اصحاب قرار داده است». خبر به حارثه رسید. به خدمت رسول خدا^(ص) شرفیاب شد و گفت: «از اینکه شما چیزی از من بخواهید، خرسند و مفتخرم». امیرمؤمنان^(ع) و فاطمه‌زهر^(ا) در آغاز زندگی به آن خانه رفتند ولی پس از مدتی رسول خدا^(ص) خانه‌ای در نزدیکی خود برای ایشان تهیه کردند و فرمودند: «خانه فاطمه از من دور است و من تحمل دوری او را ندارم».

مستقل

باشید

امانه دور

از هم

خانوات

را از

دیگران

دریغ نکن!

